

فهرست

دییاجه ۹

فصل اول: روزنه‌ای به سوی آفتاب

شناسه‌ی آفتاب ۱۱

ولادت ۱۲

نام‌گذاری ۱۲

کنیه و لقب‌ها ۱۳

مادر امام ۱۴

خاستگاه تربیتی ۱۵

کودکی آزاده ۱۵

همسر و فرزندان امام ۱۷

امامت حضرت ۱۸

فصل دوم: ویژگی‌های برجسته

ویژگی‌های ظاهری ۱۹

اخلاق و ویژگی های فردی.....	۲۰
الف) پرستش و پارسایی	۲۰
ب) دوری از دنیا.....	۲۰
ج) دانش و بینش	۲۱
د) بخشندگی و سخاوت	۲۲
ه) کار و سخت کوشی.....	۲۲
ز) پاکیزگی و آراستگی	۲۳
ح) ورزش و نشاط جوانی	۲۴
ویژگی های اخلاقی در خانواده	۲۶
الف) ایجاد پیوند عاطفی با همسر	۲۶
ب) ارتباط عاطفی با فرزندان	۲۷
اخلاق اجتماعی	۲۸
الف) دستگیری از نیازمندان جامعه	۲۸
ب) زندگی اجتماعی و مردمی	۲۸
ج) احترام به مالکیت اجتماعی	۲۹
د) خوش رویی	۳۰
ه) ابراز صمیمیت در معاشرت با دوستان	۳۱
ز) آگاهی از مشکلات معیشتی نزدیکان و تلاش برای رفع آن	۳۲
ح) بردباری در روابط اجتماعی	۳۲
ط) حضور شکوهمندان در اجتماعات	۳۳
فصل سوم: بررسی مقام علمی و تلاش های فرهنگی امام باقر (ع)	
اوضاع فرهنگی - اجتماعی جامعه	۳۵
چهره ی علمی امام	۳۶

تحکیم بنیان های تفکر شیعی	۳۷
پرورش فرهیختگان و دانشوران	۳۷
پی ریزی تدوین حدیث	۳۸
بنیان گذاری اجتهاد	۳۹
توسعه ی فرهنگ انتظار	۴۰
نشر فرهنگ اصیل اسلامی	۴۰
الف) بهره گیری از قرآن	۴۰
ب) مرجعیت فقهی و پاسخ گویی به پرسش های دانشمندان ..	۴۱
ج) نیایش؛ کانون ترویج آموزه های دینی	۴۲
فصل چهارم: مبارزات فرهنگی امام باقر (ع)	
۱. مناظرات گسترده علمی	۴۵
۲. مبارزه با مکتب های انحرافی	۴۶
الف) فرقه ی مرجئه	۴۶
ب) فرقه ی جبریه و قدریه	۴۶
ج) فرقه ی خوارج	۴۷
د) فرقه ی غلات	۴۸
ه) فرقه ی مغیره	۴۸
و) فرقه ی جارودیه	۴۹
۳. مبارزه با اندیشه های خطر آفرین یهود	۴۹
فصل پنجم: اوضاع سیاسی و موضع گیری های امام باقر (ع)	
چهره و عملکرد حکمرانان معاصر با امام	۵۱
الف) عبدالملک بن مروان	۵۱
ب) ولید بن عبدالملک	۵۲

ج) سلیمان بن عبدالملک.....	۵۳
د) عمر بن عبدالعزیز.....	۵۴
ه) یزید بن عبدالملک.....	۵۵
و) هشام بن عبدالملک.....	۵۶
نفوذ و استحاله‌ی اندیشه‌های غیر اسلامی در حاکمیت.....	۵۷
وضعیت زندگانی امام و شیعیان.....	۵۷
حکومت عمر بن عبدالعزیز؛ سایه‌ی آرامشی زودگذر.....	۵۸
دیدگاه امام باقر (ع) درباره شخصیت و عملکرد عمر بن عبدالعزیز.....	۵۹
بینش سیاسی و رهنمودهای امام.....	۶۰
نهادینه سازی تقیه.....	۶۱
الف) حفظ امنیت نیروهای خودی.....	۶۲
ب) حفظ بنیه‌ی اقتصادی نیروها.....	۶۲
ج) پاسداری ارزش‌ها.....	۶۲
امام و قیام زید بن علی (ع).....	۶۳
الف) شخصیت زید.....	۶۳
ب) علل و انگیزه‌های قیام.....	۶۴
ج) موضع‌گیری امام باقر (ع) در برابر قیام و دلایل نهی از آن.....	۶۴
فصل ششم: شهادت امام محمد باقر (ع)	
کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌های امویان.....	۶۷
بهانه جویی‌های هشام.....	۶۹
پرواز تا بی‌نهایت.....	۷۱
وصیت‌های امام.....	۷۲
وصیتی مهم.....	۷۳
خاک سپاری و سوگواری.....	۷۳

دیاچه

با بررسی تاریخ اسلام می‌توان دریافت که بزرگ‌ترین چالشی که جامعه‌ی اسلامی را با مشکلات گوناگون روبه‌رو کرده است، کشمکش‌های خلفا بر سر قدرت بود. هر از گاهی با انتقال قدرت از شخصی به شخصی دیگر و یا از سلسله‌ای به سلسله‌ی دیگر، مشکلات ساختاری برای جامعه‌ی اسلام روی می‌داد و آن را دستخوش دگرگونی‌هایی در عرصه‌ی سیاست و فرهنگ می‌کرد. دوران زندگانی امام باقر (ع) نیز به دور از این دگرگونی‌ها نبود. این دوران همزمان بود با قدرت‌یابی مروانیان که حاکمیت را از چنگ امویان گرفتند. ویژگی‌های خاص مروانیان و تفاوت‌های نسبی آنان با بنی‌امیه در حاکمیت، تأثیرهای گوناگونی بر این دوره از تاریخ اسلام گذاشت.

در این میان، حکومت عمر بن عبدالعزیز، گونه‌ای دیگر می‌نماید. تفاوت‌های عمده‌ی خلافت او با دیگر مروانیان، اندکی آرامش و ثبات را

فصل اول

روزنه‌ای به سوی آفتاب

شناسه‌ی آفتاب

نام: محمد بن علی علیه السلام

کنیه: ابا جعفر علیه السلام

لقب‌ها: باقرالعلم، شاکر، هادی، امین، شبیه، صابر و شاهد

پدر و مادر: امام سجاد علیه السلام و فاطمه بنت الحسن علیه السلام

زمان و مکان ولادت: سوم صفر المظفر سال ۵۷ هجری در مدینه منوره

تاریخ و سن امامت: سال ۹۵ هجری، در سن ۳۸ سالگی

مدت امامت: ۱۹ سال

حکمرانان اموی دوران امامت: ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک،

عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک و هشام بن عبدالملک

تاریخ و سن شهادت: هفتم ذی حجه الحرام سال ۱۱۴ هجری، در سن ۵۸

سالگی

محل خاک سپاری: مدینه، قبرستان بقیع

به جامعه‌ای که از افزونی نارضایتی‌های عمومی به حد انفجار رسیده بود، حاکم ساخت. خدمات فرهنگی او در راستای برداشتن سبب امیرالمؤمنین علیه السلام و پایان دادن به منع نوشتن احادیث نبوی صلی الله علیه و آله، تأثیر شگرفی در فضای فرهنگی جامعه داشت. این امر به امام باقر علیه السلام این فرصت را داد که پی آمدهای ناهنجار ناشی از تدوین نشدن سنت نبوی صلی الله علیه و آله را از میان ببرد و گام بزرگی در تداوم حیات فکری شیعه بردارد. در چنین شرایطی امام به پرورش شاگردان و تربیت نیروهای کارآمد و ارزشی در شاخه‌های گوناگون علوم اسلامی پرداخت و توانست چارچوب عقیدتی شیعه را بیش‌تر تبیین کند؛ به گونه‌ای که امروز بیش‌ترین روایت‌های نقل شده از پیشوایان معصوم علیهم السلام در متن‌های دینی، از امام باقر علیه السلام و فرزندشان امام صادق علیه السلام است. از این لحاظ، می‌توان دوران زندگانی و امامت امام باقر علیه السلام را نقطه عطفی در حیات فکری و اندیشه‌ی شیعه قلمداد کرد.

مجموعه‌ی حاضر، پژوهشی درباره زندگانی پر خیر و برکت و چگونگی اوضاع حاکم بر دوران زندگی امام باقر علیه السلام است. امید که در خور توجه یار سفر کرده‌ی کنعان آرزو قرار گیرد.

بمنه و کرمه

ابوالفضل هادی منش - قم المقدسه

رمضان المبارک ۱۴۳۴

hadimanes1@gmail.com

ولادت

امام باقر علیه السلام، در سال ۵۷ هجری در شهر مدینه، دیده به جهان گشود.^۱ درباره‌ی روز ولادت ایشان بین تاریخ‌نویسان اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آن را اول ماه رجب دانسته‌اند،^۲ ولی مشهور تاریخ‌نویسان، تاریخ ولادت ایشان را سوم ماه صفر می‌دانند.^۳

نام‌گذاری

امام سجاد علیه السلام، این فرزند خجسته فال را به پاسداشت نام و نیای بزرگوار خویش، حضرت ختمی مرتبت، محمد نامید. این نام را سال‌ها پیش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر او نهاده بود. محمد بن مسلم می‌گوید:

«در کنار جابر بن عبدالله انصاری [از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله] نشسته بودیم که امام سجاد علیه السلام همراه فرزند خردسال خود وارد مجلس شد. امام سجاد علیه السلام به فرزندش فرمود: عمویت را ببوس. کودک به سوی جابر آمد و پیشانی او را بوسید. جابر که در آن روزگار بینایی خود را از دست داده و پیر و فرتوت شده بود، پرسید: این کودک کیست؟ امام فرمود: او فرزندم محمد است. جابر او را در آغوش کشید و گفت: ای محمد، رسول خدا به تو سلام رسانید. حاضران [با تعجب] گفتند: از کجا این سخن را می‌گویی؟ جابر گفت: در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که او مشغول سرگرم کردن حسین علیه السلام بود. در این هنگام، به من رو کرد و فرمود: ای جابر! فرزندم حسین علیه السلام دارای فرزندی خواهد شد که نامش علی علیه السلام

است... و علی علیه السلام نیز صاحب فرزندی می‌شود که نامش محمد علیه السلام است. اگر او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان و بدان که پس از دیدار او به پایان زندگی نزدیک شده‌ای».

محمد بن مسلم می‌گوید:

«سخن جابر تحقق یافت و پس از مدتی کوتاه از دنیا رفت.^۱ او تا پیش از این دیدار همواره می‌گفت: ای باقر! کجایی! تا روزی که آن حضرت را ملاقات نمود...».^۲

سند و مضمون این روایت، به اندازه‌ای ممتاز و قوی است که بین شیعه و سنی مشترک است و نویسندگان بزرگی از اهل سنت مانند ابن جوزی، ابن صباغ مالکی و ابن قتیبه دینوری آن را در کتاب‌های خود آورده‌اند.^۳

کنیه و لقب‌ها

تنها کنیه‌ای که برای امام باقر علیه السلام یاد کرده‌اند، ابوجعفر است و لقب‌های مشهور ایشان عبارتند از:

۱. باقر العلم

۲. شاکر

۳. هادی^۴

لقب‌های دیگری از جمله امین، شبیه^۵، صابر و شاهد^۶ نیز برای ایشان بر شمرده‌اند.

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۷؛ کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، ج ۲، ص ۳۲۱.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹۰. ۳. تذکرة الخواص، ص ۳۳۷.

۴. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۶؛ الفصول المهمة، ج ۲، ص ۸۸۰؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۱۸.

۵. به دلیل شباهت زیادی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله داشتند. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۲۷.

۶. الفصول المهمة، ج ۲، ص ۸۸۱، پانوش.

۱. اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۲۵۹؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۲؛ دلائل الامامة، ص ۹۴.

۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۲؛ دلائل الامامة، ص ۹۴.

۳. کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، ج ۲، ص ۳۱۸؛ الفصول المهمة فی معرفة الاثمة، ج ۲، ص ۸۷۹.

در بین این لقب‌ها، باقر از همگی مشهورتر است و علت تعیین آن را ویژگی‌های حضرت بر شمرده‌اند که برجسته‌ترین آن به شرح زیر است:

۱. او شکافته‌ی همه مشکلات علمی و گشاینده پیچیدگی‌های آن بود.^۱
۲. حضرت، معارف و دانش گسترده‌ای در اختیار داشت.^۲
۳. در اثر سجده‌های بسیار در پیشانی‌اش حالت شکافتگی و فراخی به وجود آمده بود.^۳

مادر امام

ویژگی ممتاز و برجسته امام باقر (ع) در بین دیگر امامان آن است که او، هم از سوی پدر و هم از سوی مادر، به شجره پاک رسالت و امامت منتسب است. پدر او، فرزند برومند امام حسین (ع) و مادرش ام عبدالله، فاطمه (ع)، دختر بزرگوار امام حسن (ع) است.^۴ که در پاک سیرتی و نیک سرشتی سرآمد زنان به شمار می‌رفت.

امام صادق (ع) درباره‌ی ایشان فرمود:

او بانویی درستکار بود که در فرزندان امام حسن (ع) زنی به درجه کمالش نمی‌رسید.^۵

امام باقر (ع) نیز در توصیف مادر بزرگوار خویش می‌فرماید:

روزی مادرم کنار دیواری نشسته بود. ناگهان دیوار فرو ریخت، ولی او دست بر سینه آن نهاد و گفت به حق مصطفی (ص) سوگند، اجازه‌ی

فرو ریختن نداری. دیوار بر جای خود فروماند، مادرم به کناری رفت و سپس دیوار فرو ریخت.^۱

خاستگاه تربیتی

ناگفته پیداست که تربیت و رشد در چنین فضایی که از هر دو طرف به سلاله‌ی پاک امامت می‌رسد، در چه سطحی از کمال و برتری خواهد بود. امام در اوان کودکی خویش، افزون بر تربیت در دامن گهربار پدر، از رشد و تعالی در محضر جد بزرگوارش، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) نیز بهره‌مند شد و تا سه یا پنج سالگی در محضر پرورش و تفقد ایشان بود.^۲

او از برترین نوع تربیت اسلامی در حضور پدر، مادر، جد، عموها و دیگر افراد خاندان امامت برخوردار شد و در فضایی آکنده از همه‌گونه زیبایی‌های معنوی این خاندان رشد کرد.

کودکی آزاده

سبزترین عروج، در سرخ‌ترین روز آفرینش پیش روست. کاروان حسینی (ع) به سوی منزلگاه طُفّ در حال حرکت است. عقربه‌های زمان، دهم محرم سال ۶۱ هجری را نشان می‌دهند و قلم تقدیر، سرخ‌ترین رنگ را در پرده‌ی کربلا نقش می‌کند و نگارینه‌ای جاوید از بزرگ‌ترین حماسه‌ی انسان بر جای می‌گذارد. شاید سهمگین‌ترین رویداد زندگانی امام باقر (ع) پیش از امامت، روزی بود که سه سال بیش‌تر نداشت و پژواک غمگین، ولی استوار «اللهم تقبل منّا هذا القربان» پرده‌ی گوش تاریخ

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۷؛ اثبات الوصیة، ص ۳۳۱.

۲. اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۴۵.

۱. همان، ص ۸۸۱؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۰.

۲. کشف الغمة، ج ۲، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۱.

۳. تذکرة الخواص، ص ۳۳۶.

۴. اعلام الوری، ص ۲۵۹؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۲، ولی برخی وی را دختر حسن بن حسن (ع) (حسن مثنی) خوانده‌اند. تذکرة الخواص، ص ۳۳۶.

۵. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۷۳؛ اثبات الوصیة، ص ۳۳۱.

را لرزاند. فرساینده‌ترین و دشوارترین ساعت‌ها بر امام سجاده علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام و زنان و کودکان همراه می‌گذرد. اشک مجال‌شان نمی‌دهد، ولی صبر و استواری‌شان خبر از پیروزی‌ای بزرگ دارد. در این میان، امام باقر علیه السلام نیز میان کودکان دیگر، چشم برستم روزگار می‌گشاید و غم ایام را بر خود هموار می‌سازد. او شاهد بزرگ‌ترین روز تاریخ است. او نیز از شب عاشورا چشم بر هم نهاد و به لبیک عاشقان گوش فراداد و پرواز تک‌تک آنان را دید و در نخستین سال‌های زندگی خود، والاترین درس هستی را درک کرد.

امام باقر علیه السلام به همراه زنان و کودکان دربند، کربلا و خاطره‌اش را وامی‌گذارد و راه شهر بی‌وفایی‌ها، کوفه، را در پیش می‌گیرد. آن‌گاه که کلام آتشین پدر بزرگوارش و زینب علیها السلام نفس را در سینه‌ها زندانی کرد و چشم‌ها را به بهت گرایاند، امام باقر علیه السلام به سخنان ایشان گوش فراداد^۱ و درسی دیگر در استقامت و پای‌مردی در دفاع از حقانیت آموخت تا آن روز که کاروان به شهر شام رسید و به کاخ یزید خوانده شد. یزید، رو به امام سجاده علیه السلام کرد و گفت: «ای علی! اوضاع را چگونه می‌بینی؟» امام سجاده علیه السلام فرمود: «آنچه را که پروردگار بزرگ و توانا پیش از آن‌که آسمان‌ها و زمین را بیافریند، مقدّر کرده بود».

یزید از این پاسخ برآشفته و واژه زشتی بر زبان راند. سپس با اطرافیان خود مشورت کرد که با امام چه کند و سپس به کشتن امام سجاده علیه السلام رأی داد.

فرزند خردسال او امام باقر علیه السلام که تیزبینانه رخدادها را دنبال می‌کرد، از جایش برخاست و پس از سپاس و ستایش خداوندی، لب

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۲.

به سخن گشود و با جمله‌ای کوتاه، توفانی از اعتراض به پا کرد. او فرمود: مشاوران تو بر خلاف مشاوران فرعون رأی دادند؛ زیرا آن‌ها در پاسخ فرعون در مورد موسی علیه السلام و برادرش هارون گفتند: «أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ»؛ به او و برادرش مهلت بده و فرستادگانی را به شهرها رهسپار نما؛ ولی مشاوران تو دستور به قتل ما دادند که آن هم بدون دلیل نیست.^۱

یزید که از سخنان این کودک بسیار شگفت زده شده بود، دلیل آن را جویا شد. امام باقر علیه السلام فرمود:

آن‌ها از زنان نجیب و فهمیده زاده شده بودند، ولی مشاوران تو زادگان زنان ناپاک هستند و پیامبران و فرزندان‌شان را جز ناپاکان نمی‌کشند. یزید از پاسخ اندیش‌مندانه کودکی از خاندان وحی سرافکنده شد^۲ و سخن افشاگرانه این فرزند خردسال موجب شد تیغ ستم از سر پدر بزرگوار او برداشته شود.

همسر و فرزندان امام

در کتاب‌های تاریخی، دو همسر و دو کنیز برای حضرت ذکر کرده‌اند: ۱. ام فروه: او دختر قاسم بن محمد بن ابی‌بکر بود. پدرش از دوست‌داران امامان معصوم علیهم السلام و دودمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بود. آن چنان که امام رضا علیه السلام در مورد او فرموده است: «او به ولایت و امامت معتقد بود».^۳

۲. ام حکیم، دختر اُسَید بن مغیره ثقفی

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۱۱.

۲. نفس‌المهموم، ص ۲۷۶.

۳. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۶۶.

فصل دوم ویژگی‌های برجسته

ویژگی‌های ظاهری

امام باقر علیه السلام چهره‌ای گندم‌گون^۱ و قامتی میانه و معتدل داشت^۲ و افزوده‌اند که امام چهارشانه و دارای پوستی لطیف و موهای مجعد با رنگی مایل به قهوه‌ای بود. خالی نیز بر گونه امام بود و نیز صدایی زیبا و سری برافراشته داشت.^۳

در توصیف ایشان آمده است که شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود^۴ و دل‌نشینی‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله در ایشان دیده می‌شد.^۵ بر انگشتی امام واژه‌ی «العزة لله» نقش بسته بود.^۶

۱. لسان العرب، ج ۶، ص ۳۵۷.

۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۲؛ الفصول المهمة، ج ۲، ص ۸۸۲.

۳. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۵۱.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۲۷.

۵. ائمتنا، ج ۱، ص ۳۳۷.

۶. دلائل الامامة، ص ۹۵؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۲ و ۲۲۳؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۵۱.

ولی شمار فرزندان امام را هفت تن بر شمرده‌اند؛ (پنج پسر و دو دختر) که عبارتند از:

جعفر بن محمد صادق علیه السلام؛ عبدالله بن محمد؛ او برادر تنی امام صادق علیه السلام و مادرشان ام فروه بود^۱ که انسانی بسیار ارجمند و پارسا بود و به فضل و صلاح شهرت داشت.^۲ روایت است که در دست عده‌ای از بنی امیه گرفتار شد و او را مسموم کردند و به شهادت رساندند؛ ابراهیم بن محمد؛ عبیدالله بن محمد؛ (مادر این دو نیز ام حکیم است.) علی بن محمد؛ زینب بنت محمد؛ ام سلمه. این سه فرزند نیز مادرشان کنیز بوده است.^۳

امامت حضرت

با وفات امام زین العابدین علیه السلام، حضرت باقر علیه السلام به امامت رسید که تاریخ آن را سال ۹۵ هجری یادآور شده‌اند.^۴

امام باقر علیه السلام رهبری شیعه را در حالی به عهده گرفت که ۳۷ سال از عمر شریف‌شان گذشته^۵ و جامعه اسلامی، هم‌چنان تحت سیطره‌ی امویان بود.

۱. الفصول المهمة، ج ۲، ص ۹۰۵.

۲. المفید من معجم رجال الحديث، ص ۳۴۷.

۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۲۸؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۵۰؛ اعلام الوری، ص ۲۶۵.

۴. الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۱.

۵. اعلام الوری، ص ۲۵۹.

اخلاق و ویژگی‌های فردی

الف) پرستش و پارسایی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

پدرم، امام محمد باقر علیه السلام همواره مشغول ذکر خدا بود. هنگام خوردن غذا ذکر خدا می‌گفت. وقتی با مردم صحبت می‌کرد از یاد خدا باز نمی‌ماند و کلمه‌ی «لا اله الا الله» همواره بر زبانش جاری بود. [سحراگان] ما را به عبادت و شب زنده داری تا برآمدن آفتاب فرا می‌خواند. به آن دسته از اعضای خانواده که قرائت قرآن می‌دانستند خواندن قرآن را دستور می‌داد و بقیه را به گفتن ذکر خدا سفارش می‌نمود.^۱

او در هر شبانه روز یکصد و پنجاه رکعت نماز می‌گزارد.^۲

ب) دوری از دنیا

آن‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، زندگی فردی امام علیه السلام به دور از زیور و زینت دنیایی بود. اتاق امام بسیار ساده و کوچک بود،^۳ ولی هرگز به زنان خویش سخت نمی‌گرفت و هرگز خاطر خویش را از اندیشه در امور دنیایی نمی‌آشفت. می‌فرمود:

دنیا را مانند کاروان سرای فروگذار که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: مَثَل من و دنیا مثل سواری است که ساعتی زیر سایه‌ی درختی فرود می‌آید و بر می‌خیزد و از آنجا می‌رود.^۴

ج) دانش و بینش

بی‌گمان شخصیت علمی امام باقر علیه السلام در دوران حیات او، بسیار برجسته و محضر او همواره مملو از دانشمندان و دانشورانی بوده است که در جست‌وجوی سرچشمه‌ی دانش بوده‌اند. آن چنان که از کودکی شکافنده دانش‌ها شناخته شده و سرآمد دانشمندان و عالمان روزگار بود. تا آن جا که در ستایش دانش او شاعران قصیده‌ها سروده و نویسندگان قلم بر خروارها کاغذ رانند.^۱

آوازه‌ی دانش امام علیه السلام بر تمامی سرزمین‌های اسلامی سایه افکنده بود و مردم، به ویژه دانشوران شیفته نام و آوازه‌ی او بودند و این شیفتگی در بین مردم عراق بیش‌تر به چشم می‌خورد و دوست و دشمن زبان به ستایش دانایی او گشوده بودند. آمده است: «هشام بن عبدالملک، خلیفه‌ی وقت او را در مسجد الحرام دید و در حالی که بر دست غلامش تکیه کرده بود پرسید: آیا او همان کسی است که مردم عراق شیفته و بهت زده‌ی [علم] اویند. پاسخ داد: آری. سپس به غلامش دستور داد تا نزد او برود و امام را برای پاسخ به پرسش‌های خلیفه فرا خواند. خلیفه پرسش‌هایش را مطرح کرد و امام به گونه‌ای پاسخ داد که هشام خاموش ماند و هیچ نتوانست بگوید».^۲

آوازه‌ی شهرت او تا دوردست‌های سرزمین‌های اسلام رسیده بود. همچنان که راوی می‌گوید:

دیدم در حلقه‌ی درس او مردم خراسان حضور دارند و اشکالات علمی خود را مطرح می‌کنند.^۳

۱. اثمتنا، ج ۱، ص ۳۴۱؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۵۱ (با اندکی تفاوت).

۲. اثمتنا، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳. نک: بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۲.

۴. همان، تذکرة الخواص، ص ۳۳۸؛ احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۲، ص ۱۷۲.

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۶؛ الانوار البهیة، ص ۱۳۵.

۲. همان، ص ۲۳۴؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۳۲.

۳. بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۳۵۷.